

بررسی سیر تغییرات و تحولات نقش مایه‌های پوشاک اقوام کرد شمال شرقی خراسان رضوی

فهیمة خیابانی فرد / مدرس مدعو گروه طراحی و دوخت، دانشکده هنر، دانشگاه فنی و حرفه‌ای، تهران، ایران.*
f.khiabany.designer@gmail.com

چکیده

اگر بخواهیم هنرها را علاوه بر شاخص‌های ساختاری و زیباشناسی، از نظر مولفه‌های فرهنگی-اجتماعی و زمینه‌های تولید و تناسبات با محیط و جغرافیا طبقه‌بندی نماییم، پوشاک سرآمد مهم‌ترین وسایل کاربردی بشر از گذشته تاکنون بوده‌است که به اعتبار ویژگی‌های مفهومی و محتوایی، می‌تواند روایت‌گر فرهنگ و سلیقه‌ها و رفتارهای هنری-اقتصادی جامعه باشد. به این اعتبار، در طول تاریخ، انواع پوشاک توانسته‌است به عنوان یک عامل زیرساختی فرهنگی-اقتصادی در فضای مدیریتی-حکومتی جامعه تاثیر داشته باشد. با ظهور شیوه‌ها و ابزارهای نوین تولید و توزیع پارچه و پوشاک، رفته‌رفته بعد اقتصادی-صنعتی، بر بعد هنری-فرهنگی غلبه پیدا کرده‌است. از یک‌سو، جنبه‌های هنری پوشاک، به عنوان یک میراث فرهنگی، روایت‌گر فرهنگ و هنر سنتی است که در این طرح، به طور خاص، به شاخصه‌های هنری پوشاک اقوام کرد پرداخته‌ام. شاخصه‌های لباس اقوام و هویت اصلی لباس، برای کسانی که در آینده خواهان شناسایی بخشی از فرهنگ و هویت پیشین خود هستند، مهم است؛ چراکه هویت هر لباسی را در بیان شاخصه‌های آن می‌توان یافت. مانند بافت پارچه بر اساس طرح لباس، برش پارچه، تزئینات لباس (نواردوزی، سوزن‌دوزی) که همگی به لحاظ تکنیک، نقش و طرح، در فلسفه نقوش، مهم است. بررسی تغییرات و تحولات پوشاک اقوام کرد شمال شرقی خراسان (کلات، لایین، زاوین)، هدف اصلی تحقیق می‌باشد که نقوش از منظر سبک و الگو در طبقه‌بندی پوشاک اقوام مورد بررسی قرار گرفته‌است. در این پژوهش، از روش گردآوری کتابخانه‌ای، مشاهده میدانی و تحلیل کیفی استفاده شده‌است. باتوجه به نتایج پژوهش، نقوش پوشاک قوم کرد دارای نقشه از پیش تعیین شده نیستند و معمولاً به صورت بداهه تولید می‌شوند، تنها هنرمند آن‌ها نام نقوش به کار رفته را می‌داند و اکثر این نقش‌ها، نامی مخصوص به خود دارند و برگرفته از طبیعت بوده‌اند و توسط هنرمندان بر این نقوش نهاده شده‌اند و ریشه در باورهای رایج در فرهنگ این قوم دارند.

کلیدواژه‌ها: نقش، نقش‌مایه، پوشاک، اقوام کرد خراسان رضوی.

Examining the Progression and Evolution of the Clothing Patterns of the Kurdish People Living in the Northeast of Razavi Khorasan

Fahimeh Khiabany Fard / Visiting Lecturer, Department of Design and Sewing, Faculty of Arts, Technical and Vocational University, Tehran, Iran.*

f.khiabany.designer@gmail.com

Abstract

In addition to structural and aesthetic indicators, we would like to categorize the arts in terms of cultural-social components, production fields, and proportions with the environment and geography. In that case, clothing has been the most important practical tool of mankind from the past until now, which can be the narrator of culture due to its conceptual and content characteristics. The social culture's artistic and economic tastes and behaviors. The cultural-economic infrastructure of society's management-government space has been influenced by all kinds of clothes throughout history, for this credit. The economic-industrial dimension has gradually overtaken the artistic-cultural extent as new methods and tools for fabric and clothing production and distribution have emerged. On the one hand, the artistic aspects of clothing, as a cultural heritage, are the narrator of traditional culture and art, and in this project, in particular, I have addressed the artistic features of Kurdish ethnic clothing. The characteristics of ethnic clothing and the main identity of clothing are essential for those who want to identify a part of their culture and identity in the future; Because the identity of each dress can be found in the expression of its characteristics. Such as fabric texture based on clothing design, fabric cutting, and clothing decorations (embroidery, needlework), all of which are important in terms of technique, role, and design, in the philosophy of motifs. Investigating the changes and evolutions of the clothing of the Kurdish tribes of Northeast Khorasan (Klat, laying, Zavin), the main goal of the research is that motifs have been examined from the point of view of style and pattern in the classification of tribal clothing. The method of library collection, field observation, and qualitative analysis have been employed in this research. According to the results of the research, the patterns of Kurdish clothing do not have a predetermined plan and are usually produced improvised, only the artist knows the name of the patterns used and most of these patterns have their name and were taken from nature and created by artists. These motifs are based on the culture of these people and are rooted in common beliefs.

Keywords: motif, pattern, clothing, Kurdish people of Razavi Khorasan.

مقدمه

پوشاک از اصلی‌ترین و بارزترین عناصر ممتاز ظهور و بروز هویت‌های فرهنگی و هنر یک قوم و ملت است. اگر در جامعه‌ها و خانواده‌های سنتی و گذشته، تولید، توزیع و مصرف انواع پوشش‌ها در یک فضای کوچک صورت می‌گرفت، امروزه و به خصوص با پیشرفت‌ها و فناوری‌های نوین و تغییر سلیقه‌ها و ذائقه‌های هنری و افزایش جمعیت و ارتباط وسیع اقوام و سرزمین‌ها و درهم آمیختگی نژادها، زبان‌ها، فرهنگ‌ها و گسترش دایره ارتباطات و روابط اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و ظهور انواع رنگ‌ها و طرح‌های گوناگون و صنعتی شدن تولید و بافت پوشاک، دایره تغییرات و تنوع‌ها بسیار وسیع و فراخ شده‌اند. به این اعتبار، پوشاک را باید نگاهی میان‌رشته‌ای در ارتباطات و اطلاعات و روابط اجتماعی و فرهنگی مطالعه نمود که در این گسترش و پیشرفت‌های نوین رفتاری و اخلاقی، حتی ذائقه‌های هنری هم تغییر یافته‌اند (نتاج مجد، ۱۳۹۹: ۱۰۵). تغییرات دلالت‌های نقوش پوشاک زنان کرد هم‌زمان با توسعه سرمایه‌داری و مدرنیته در دنیای معاصر به گونه‌ای همراه است. معانی اجتماعی، تعامل انسانی هرگز در سطح بیولوژی نیست، بلکه به عنوان یک فعل نهادینه شده، جامعه‌شناسی جدایی‌ناپذیر از جامعه قومی کرد است. موجودات، دنیای طبیعت را به سادگی همان‌طور که هست، درک نمی‌کنند؛ مگر به واسطه فرهنگ و عقاید و باورها و همان‌گونه که در جامعه‌های سنتی تولید و تهیه مواد اولیه پوشاک از محیط اطراف و پیرامون بود. از پشم گوسفندان، کرم ابریشم و طی مراحل تهیه تا بافت و طراحی در یک فضای کوچک و بومی و قبیله‌ای صورت می‌گرفت. به این اعتبار، هم نوع طرح، شکل و مواد از محیط، رفتارها، اندیشه‌ها و شاخص‌های هنری هر قومی برگرفته بود. یکی از دیداری‌ترین و در عین حال زنده‌ترین نمونه‌های حیات فرهنگی یک جامعه، پوشاک و نوع لباس مردم جامعه است. آشنایی با تاریخ لباس و پوشاک، نه تنها ما را با ظاهر مردمانی که در ادوار مختلف تاریخی زندگی می‌کرده‌اند، آشنا می‌سازد، بلکه درباره انواع سلیقه‌ها، نوع دوخت و رنگ مدل‌های مختلف لباس، بافت انواع پارچه‌ها، صادرات و واردات و قیمت البسه و پوشاک، تاثیرپذیری و تقلید از لباس مردمان نواحی دیگر، اختصاص پوشاک خاص به گروه یا طبقه اجتماعی و همچنین درباره چگونگی روند و تکامل انواع پوشش‌ها، اطلاعات مفید و جالب توجهی ارائه می‌کند (چیت‌ساز، ۱۳۸۶: ۱). نقش‌های سنتی در مراکز مهم پوشاک اقوام کرد شمال شرقی خراسان رضوی شهرستان کلات نادر

می‌باشد، نقوش گاهی مشابه هم کار شده‌اند، اما بر اساس عقاید، باورها و رده سنی‌های مختلف در طول تاریخ و زندگی آنان تغییر یافته‌است. همواره به سرزمینی قدم می‌گذاریم که باورها، اعتقادات و آداب و رسومشان و حتی هنرشان ریشه در گذشته‌های دور آن‌ها دارد. این قوم که به اقوام کرد (کلات، لائین و زاوین) معروفند، در طول تاریخ، مردمانی شجاع و جنگ‌جو بوده‌اند. این مردمان با هنر و با ذوق تمام تلاش خود را برای خلق آثار هنری زیبایی که همگی برایشان جنبه کاربردی داشته به کار گرفته و آثاری آفریده‌اند که همگی منبع سرشاری از زیبایی‌شناسی‌اند (شهبابی، ۱۳۹۲: ۹۰). نقش‌ها همچون (هندسی، گیاهی، جانوری و پرندگان) در نمادگرایی هنرهای سنتی دیده می‌شود که بعضی از آن‌ها به تدریج در تاریخ محو شده‌اند و برخی دیگر تا امروز در شاخه‌های هنر سنتی دیده می‌شوند. هر یک از این بافته‌ها، دارای نقوش و طرح‌های اصیلی هستند که در زندگی روزمره آنان به کار می‌رفته‌است که نشان از عقاید، اندیشه و منابع الهام‌بخش زنان کرد در طول تاریخ بوده‌است (عاصمه، ۱۳۹۵: ۲۵). بر این اساس، هدف این پژوهش، بررسی سیر تغییرات و تحولات نقش مایه‌های پوشاک می‌باشد. پرسش اصلی در این پژوهش، عبارت است از این که چه سبک و الگویی چه سبک و الگویی در سیر تغییرات و تحولات نقش مایه‌های پوشاک اقوام کرد شمال شرقی خراسان رضوی در نمونه‌های موردی روستاهای کلات، زاوین و لائین وجود دارد؟ در این نوشتار، پس از مبانی نظری و معرفی نقش، نقش مایه و تصاویر نقوش پوشاک، با تمرکز بر تغییرات و تحولات نقش مایه‌های پوشاک اقوام کرد شمال شرقی خراسان رضوی تحلیل می‌شود.

پیشینه پژوهش

پژوهش‌هایی درباره تغییرات و تحولات نقش مایه‌ها بر روی پوشاک به شکل تخصصی انجام نگرفته‌است، ولی پژوهش‌هایی پیش از این در مورد نقوش پوشاک انجام شده‌است. برای نمونه، نتاج مجد (۱۳۹۹) در پایان‌نامه خود با عنوان «مطالعه شاخص‌های هنری پوشاک قوم کرمانج»، به نگاه هنری بر شاخص‌های ساختاری و زیبایی‌شناسی از منظر مولفه‌های فرهنگی و اجتماعی در زمینه‌های تولید مواد و مصالح، پوشاک و جنبه‌های هنری پوشاک به عنوان یک میراث فرهنگی و روایت‌گر فرهنگ و هنر سنتی پرداخته‌است. سربایار (۱۳۹۵) در مقاله خود با عنوان «بررسی تحلیلی و تطبیقی البسه محلی کردنشینان خراسان از منظر طرح و نقش، مطالعه موردی: لائین، قوچان، سرحد»، به تطبیق لباس کردی سه منطقه کلات، قوچان و

سرحد می‌پردازد و نتیجه می‌گیرد که دست‌بافته‌های اقوام کرد دارای نقوش و طرح‌های اصلی هستند که از فرهنگ و ادبیات غنی برخوردار هستند که در طی قرن‌ها، سینه به سینه منتقل شده و امروزه گنجینه‌ای ارزشمند را به دست ما رسانده‌اند. همچنین رضایپور (۱۳۹۷) در پایان‌نامه خود با عنوان «مطالعه تطبیقی نقوش به‌کار رفته در پوشاک و گلیم اقوام ترک و کرمانج شهرستان کلات نادر با رویکرد انسان‌شناسی هنر»، نتیجه می‌گیرد که زنان هنرمند منطقه لایین در طراحی نقوش، توجه به روابط زیباشناختی، محیط پیرامون، نقش کاربردی آن‌ها با شیوه طراحی را مدنظر قرار داده‌اند و به سه تفسیر سه بعد مهم زیباشناسی، کارکردشناسی، معناشناسی بر اساس انسان‌شناسی هنر در این دست‌بافته‌ها می‌توان اشاره کرد. نقوش طراحی شده بر روی گلیم و پوشاک بر اساس کارکرد نمادین و ارجاع از طبیعت، هویتی آیینی و بر اساس الگوهای زیباشناختی از گذشته تاکنون و از نسلی به نسل دیگر منتقل شده‌اند.

روش پژوهش

این پژوهش به لحاظ ماهیت، کاربردی است. روش در این پژوهش، توصیفی و تحلیلی است. گردآوری اطلاعات، کتابخانه‌ای، مصاحبه، مراجعه به پایگاه‌های آنلاین و مشاهده‌است. روش تحلیل در این پژوهش، کیفی است. نمونه‌گیری در این پژوهش، با روش پیمایشی صورت پذیرفته است. سه تصویر که در ارتباط مستقیم با نقش‌مایه‌های پوشاک اقوام کرد کلات، زاوین و لایین برای تحلیل انتخاب شده‌است.

نقوش

نقش و نقوش از بدو پیدایش انسان و ثبت تاریخ افکار و اندیشه‌های بشر همواره وجود داشته و نقش عمده‌ای را ایفا کرده‌است. شاید اولین خطوطی که انسان بر دیواره غارها کشیده و یا نقوشی که بر روی ظروف سفالین باقی مانده، در زمره اولین تصاویر و نقوش ثبت شده از شروع دوره تاریخی بشر می‌باشد. نقاشان با تلفیقی از نقوش انسانی، حیوانی و گیاهی، صحنه‌های شکارگاه‌ها را به تصویر کشیده‌اند و در ادوار مختلف، ما این صحنه‌ها را می‌بینیم. نقاشان نه تنها این تصاویر و نقوش را بر روی کاغذ مصور کرده‌اند، بلکه بر روی پارچه‌ها هم طرح‌ها را ترسیم کرده‌اند و تبدالاتی بین هنرمندان ایجاد شد. پیشینه حضور کردهای خراسان

به حدود ۵۰۰ سال پیش بازمی‌گردد. شاه عباس صفوی برای صیانت مملکت از تاخت و تاز ترکمن‌ها و ازبکان، تصمیم گرفت که کردهای جنگ‌جو را از بخش‌های غربی ایران، به خراسان کوچ دهد. این جنگ‌آوران سلحشور چادرنشین، در مرزها و کوهستان‌های شمالی خراسان ساکن شدند. کرمانج‌های خراسان مردمی صاحب ذوق و شاعر مسلک‌اند و چنان‌که کمتر کسی از ایشان را می‌توان سراغ کرد که دستی در شعر و شاعری و آواز نداشته باشند. یکی دیگر از عمده ویژگی‌های قوم کرمانج خراسان که افراد این قوم را از دیگر اقوام ممتاز می‌کرده، پوشش مردان و زنان این قوم بوده‌است. دست‌بافته‌های اقوام کرمانج، دارای نقوش و طرح‌های اصیلی است که در زندگی روزمره به کار گرفته می‌شد. شاخصه‌های لباس اقوام و هویت اصلی لباس برای کسانی که در آینده خواهان شناسایی بخشی از فرهنگ و هویت پیشین خود هستند، مهم است؛ چراکه هویت هر لباسی را در بیان شاخصه‌های آن می‌توان یافت. مانند بافت پارچه بر اساس طرح لباس، برش پارچه، تزئینات لباس (نواردوزی، سوزن‌دوزی) که همگی به لحاظ تکنیک، نقش و طرح، در فلسفه نقوش مهم است (سربیار، ۱۳۹۵: ۲).

نقش‌مایه

نقوش تزئینی بخش جدایی‌ناپذیر هنر ایران و خصوصاً در دوره اسلامی است. اساساً هنر ایران در تزئینات توفیق روزافزونی داشته‌است. با این وجود، تزئینات و ویژگی‌های آن در هنر ایران کمتر مورد بحث قرار گرفته‌است. همین امر سبب شده‌است بسیاری از ابعاد آن، از جمله مبانی عملی و نظری، اصول زیباشناسی، مفاهیم نمادین و... ناشناخته بماند. نقش‌مایه یا همان نقش را برابر فارسی «motif» گرفته و تعاریف مختلفی برای آن ارائه داده‌اند؛ همچون: ۱. نگاره، گله، نقش‌مایه؛ ۲. مضمون هنری (مرزبان، ۱۳۸۰: ۲۲۳). «مایه اصلی و بارز در یک اثر هنری، عنصر یا ترکیبی از عناصر بصری که در یک ترکیب‌بندی تکرار می‌شود و در بیان هنرمند ویژگی برجسته دارد» (پاکباز، ۱۳۸۳: ۵۹۸).

جایگاه نقش و نقش‌مایه در هنر ایران

بشر در آغاز پیدایش، قادر به احساس لایتناهی و بی‌کران بوده، ولی امکان یافت واژگانی را که بیان‌گر احساس باشند، نداشته‌است. نقوش گوناگون و به‌کار رفته در رشته‌های مختلف هنری، خصوصاً هنرهای سنتی با ویژگی‌ها و قواعد خاصی از سایر هنرها جدا می‌شوند. این

نقوش با توجه به نوع نگاه و اندیشه هنرمند از یکدیگر تفکیک می‌گردند که این نگاه و اندیشه می‌تواند برگرفته از فرهنگ، سنن، آداب و رسوم و طبیعت اطراف او باشد. هنرمند می‌تواند نقوش ذهن خود را به صورت مستقیم یا طبیعی و یا انتزاعی ارایه کند و دیگر این که از بخش‌های خاصی از پیرامون خود وام بگیرد (حسینی، ۱۳۹۴: ۱۴۴). در لغت‌نامه دهخدا درباره نقش آمده است: نقش عبارت است از نشان، ترسیم، طراحی و آشکار کردن چیزی و در تعریفی از هربرت رید آمده است توزیع خط و رنگ در یک سلسله تکرارهای معین و حاکی از درجه‌ای از نظم در یک میدان محدود، در تقارن به جای تکرار یک طرح در سلسله‌های موازی یکدیگر، طرح را وارونه می‌کنند و در مقابل طرح قبلی قرار می‌دهند، از این روش، شاید از بعضی از امکاناتی که در فن بافندگی وجود دارد، پدید آمده باشد که با آن توازن کامل به دست می‌آید (افروغ، ۱۳۸۹: ۷۹). اینک در نقش مایه‌ها عناصر مشخصی همچون نقاشی، پیکره، بنا و یا طرح تزئینی مانند (نقوش خورشید، ماه، جانوران و گیاهان در کاشی‌های مساجد و یا قالی‌های ایرانی) تکرار می‌شوند که این نقش مایه‌ها زبانی برای بیان ایده‌های بصری هستند (پاکباز، ۱۳۱۸: ۱۵۲۵).

پوشاک اقوام کرد خراسان

در باب پوشش بانوان دیار هزار مسجد کرمانج زبانان شرق کشور در بین ملل مختلف جهان اگر به دقت بنگریم، هر قوم و نژادی دارای فرهنگ و سنن پوشش خاصی هستند. تمام این اقوام، سنت‌ها، آیین‌ها و پوشش خود را حفظ کرده‌اند و در جشن‌ها و... که از آن‌ها استفاده می‌کنند، در معرض نمایش عموم و دیگر ملل قرار می‌دهند. فرهنگ‌ها و آیین‌های خود را بدین طریق حفظ می‌کنند. سنت‌های قوم خود را هویت ملی می‌دانند و به آن افتخار می‌کنند و به دیگر اقوام فخر می‌فروشند. کردها دارای پیشینه تاریخی کهن و فرهنگ غنی و آیین و سنتی خاص بی‌شماری برخوردار هستند. سنت، پوشش و آیین مناطق هزار مسجد کرمانج‌ها نشأت گرفته از مهاجرت آن‌ها است که به دیار هزار مسجد سربلند در حدود چهار الی پنج قرن اخیر صورت گرفته‌است. در شرایط هم‌زیستی کنار هم قرار گرفته و ملل مختلف و ملیت اقوام جدید قرار گرفته‌اند. این هم‌زیستی یک نوع تلفیق فرهنگ جدید به وجود آورده‌است که تاثیر این تلفیق، در فرهنگ و واژه زبان، پوشش مردان و بانوان، موسیقی و هنر تا حدودی مشاهده می‌شود، اما موضوع پیش‌رو آیین و پوشش لباس‌های کرمانج‌های دیار هزار مسجد

است. این هم‌زیستی به مرور زمان، در پوشش بانوان این ناحیه طی چهار قرن اخیر تحولی انقلاب‌گونه در سنن و آیین این قوم کهن ایران به وجود آورده و به شکل و ترکیب استثنایی خاص و منحصر به فردی در فرهنگ این قوم نمود پیدا کرده‌است. هم‌زیستی کرمانج‌ها در مجاورت قوم ترکمن، روس، اقوام هم‌وطن فارس و آذری گواه بر این ادعا است. دیار هزار مسجد در نزدیکی جاده تاریخی ابریشم قرار گرفته‌است و سر راه قدیم مال روی آسیای میانه و قفقاز به سرزمین آفتاب خراسان بزرگ بوده‌است. صنعت ابریشم در کشور چین و اقوام ازبک تا ترکمن، قرقیز و تاجیک رایج بوده‌است، در پوشش و جامه خود را از پارچه ابریشمی بسیار استفاده و بهره بردند. این صنعت ابریشم‌بافی در بین اقوام نامبرده بسیار رونق داشته‌است.

در ناحیه هزار مسجد که به گواه تاریخ مردم شادزیست و خوش‌سلیقه بودند و برای پوشش مردان و بانوان و کودکان خود در طول تاریخ از رنگ‌های شاد استفاده می‌کردند، به همین سبب، به بهره‌گیری از پارچه‌های ابریشمی در پوشش بانوان خوش‌سلیقه کرمانج در این چهار قرن روی آوردند، از این پارچه ابریشمی بهره بسیار برده‌اند. صنعت ابریشم‌بافی در قوم کرمانج از رونق فراوانی برخوردار بوده‌است. در این کوچ و مهاجرت تاریخی، به دلیل هم‌زیستی دیگر اقوام برده شده، پوشش بانوان کرد این ناحیه طی چهار قرن اخیر به مرور زمان تکامل تاریخی یافته‌است، یک لباس منحصر به فرد به وجود آمده‌است که در هیچ کجای جهان، لباس نظیر بانوان دیوان هزار مسجد یافت نخواهد گردید (سپهری، ۱۴۰۰: ۲۵۲).












نقش مایه‌های پوشاک اقوام کرد خراسان










نقش مایه‌های موجود در پیراهن اقوام کرد شمال شرقی (کلات، زاوین و لائین) اغلب مشترک هستند و الهام گرفته از اشکال هندسی (مثلث، بیضی، لوزی و دایره) است. تعداد کل نقش مایه‌ها، ۲۷ عدد می‌باشد که در نقش پیراهن‌ها تکرار می‌شوند، اما نقوشی که بیشترین کاربرد را در نقش بافت پیراهن دارند، عبارتند از سقرسی‌دی، قوش دلی، سورقی سه رنگ، سماور، پنجه مرغ، پیکام درشت نیمه، پیکام ریز نیمه، کله بره، رزارز، زنجیری، زنجیری دورنگ، زنجیری پهن، پیکام گسسته و پیکام پیوسته این نقش مایه‌ها با نام‌های کردی اسم‌گذاری شده‌اند. نقوش را می‌توان به چهار گروه اصلی هندسی، گیاهی، حیوانی و پرندگان در پوشاک اقوام کرد تقسیم کرد. هنرمندان از این نقوش، به طور جداگانه برای ترسیم و تزئین اجسام و پارچه‌های خود استفاده می‌کنند و آن‌ها را به شکل‌های کاملاً خلاصه شده بر

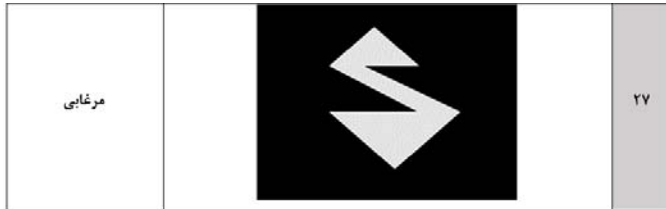
پوشاک و نواردوزی‌ها نقش دوزی می‌کنند. در جدول ۱، نقش مایه‌ها بر روی پوشاک نشان داده شده‌است. نقش پیراهن از دست‌بافت‌های منطقه زاوین می‌باشد که اقوام (کلات، لایین) به صورت مشترک از این نقوش برای پیراهن خود استفاده می‌کنند. نقش این پوشاک، از طبیعت اطراف و اجسام آنان الهام گرفته شده و به صورت نقش‌های هندسی بر روی پیراهن ظاهر شده‌است. نام نقش‌ها بر روی پیراهن از روی فیزیک، چهره و اندام نام خود را یدک کشیده و نام‌گذاری شده‌اند که بر اساس همان شکل و شمایل اسامی آن‌ها با نام‌های کردی نام‌گذاری می‌شده‌است. رنگ نخ‌ها و پارچه‌ها از گیاهان دارویی، مثل شویشک و پوست گردو و گیاه، گل سریشم و یک نوع سنگ معدنی قرمز رنگ تهیه می‌شده‌است، اما امروزه در این دو روستا، تغییرات فرمی از لحاظ جهت‌های مختلف نقوش در پوشاک مشاهده می‌شود.

جدول ۱: نقش مایه‌ها بر روی پوشاک، (نگارنده)

شماره	تصویر نقش	نام نقش
۱		پیکام پیوسته
۲		پیکام گسته
۳		تیمچه راست (پیوسته)
۴		تیمچه چپ (پیوسته)
۵		تیمچه وارونه
۶		زنجیری پهن

زنجیری		۷
زنجیره ی دورنگ		۸
رزازر		۹
کلوچه		۱۰
طرح کله بره		۱۱
پیکام ریز نیمه		۱۲
پیکام درشت نیمه		۱۳
قارنایق (نیک)		۱۴
قوشه قرآن		۱۵
سورگی سه رنگ		۱۶
سقرسی دی		۱۷

پرک		۱۸
گل اوج دانه		۱۹
بقدی		۲۰
طرح چخماق		۲۱
قوش دیلی		۲۲
طرح نیمه		۲۳
طرح پنجه یا پای مرغ		۲۴
قوش دیلی نیمه		۲۵
سماور		۲۶



تحلیل آثار

در این پژوهش، بر اساس سه نمونه عکس که در ارتباط مستقیم با نقش مایه‌های پوشاک اقوام کرد کلات، زاوین و لائین ارائه شده‌اند، تحلیل می‌شود.

به طور کلی، پوشاک این مناطق بر اساس نقوشی که دارند، طبقه‌بندی می‌شوند:

۱. نوع اول نقوش سراسری (بوتون): اگر نقش پیراهن از حدود زانوان تا سر شانه را پر کند، به آن سراسری گفته می‌شود. بین دو ستون بالا محل چاک زیر یقه است و بین دو راس ستون‌ها محل گودی یقه را تشکیل می‌دهد. این پیراهن بیشتر مواقع برای رده سنی‌های نوجوان، جوانان و برای نوعروس‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد. در جدول ۲، به معرفی کلی ویژگی‌های ظاهری نقوش پوشاک پیراهن اقوام کرد (کلات، لائین و زاوین) بر اساس تقسیم‌بندی ابتدایی، میانی و پایانی پیراهن پرداخته شده‌است. همچنین در جدول ۳، به نقش مایه‌های مشابه و جانشین‌ها در نقوش پوشاک مورد بررسی قرار می‌گیرند.

در تصویر ۱، نقش ابتدای پیراهن، هر یک از نقوش مرکزی مشخص با نقش‌های حاشیه‌ای خود هستند. در این نقوش که در حاشیه‌ها از نقش هندسی مثلث استفاده شده و به صورت تکرار حاشیه‌ای برای نقوش دیگر ساخته‌است. در بین دو ردیف حاشیه از نقوش لوزی و دایره استفاده شده‌اند که از طرف عمودی، بین نقوش لوزی و دایره هستند و از طرف افقی، دارای تشابهات مشترک هستند. در نقوش مرکزی، از کنار هم قرار گرفتن چند مثلث به صورت لوزی تشکیل شده که این نقوش در جهت‌های مایل به اریب به ترتیب به صورت ریتمی قرار گرفته‌اند که مثلث‌ها به صورت مشابه و لوزی محور جانشینی است و با چهار رنگ مختلف نارنجی، آبی و سیاه و سفید در کنار هم قرار گرفته‌اند. در حاشیه پایینی، از مثلث‌هایی استفاده شده که در حالت افقی به صورت ردیف در کنار که رأس مثلث‌ها به سمت بالا است، در محور هم‌نشینی قرار گرفته‌اند و در حالت عمودی که راس مثلث‌ها به سمت پایین است، در محور جانشینی قرار گرفته‌اند. سه گوش به نوعی خشت‌های درهم تنیده و منظم را مشاهده

می‌کنیم که نشان از پایه‌گذاری زندگی و تمدن بشر است. دلیل استفاده از سه‌گوش یا مثلث در حاشیه نقوش، به دلیل این است که بافندگان لباس سنتی این منطقه در دامنه کوه زندگی می‌کنند و به طور یقین، نقش سه‌گوش مثلث را از کوه‌های اطرافشان الهام گرفته‌اند. دلیل استفاده از لوزی و لوزی‌های به هم پیوسته در نقوش پیراهن، نماد پیروزی است و استفاده از آن بر روی دیوارهای خانه، برای دور کردن ارواح خبیثه می‌باشد. دایره نشان‌دهنده حرکت و زمان است؛ نشان‌دهنده حرکتی بدون آغاز و پایان. چون دایره دارای هیچ شروع و پایانی نیست و اساساً بدون مبدأ و مقصد است، از آن به زمان تعبیر می‌شود.

نقش میانی پیراهن، در حاشیه بالا و پایین پیراهن حاشیه‌هایی با کنار هم گذاشتن مربع‌ها، نقوشی را به وجود آورده است. استفاده از رنگ سفید و قرمز که نماد زندگی و روشنایی است، استفاده شده است. اقوام کرد با استفاده از نقش مربع در نقوش پوشاک خود، دلالت بر سکونت در محلی که زادگاه آن‌ها بوده است و به آن احترام می‌گذارند. در حاشیه‌های بالا، پایین، چپ و راست از نقوش سه‌گوش‌های پیوسته استفاده شده که در بالا به آن پرداخته شده است. در مرکز پیراهن، لوزی‌های کوچک و بزرگ که در حاشیه وسط در کنار هم به صورت پیوسته قرار دارند و در مرکز از لوزی‌هایی که در میان هم قرار گرفته‌اند، استفاده شده است که در محور افقی به صورت مشابه قرار دارند.



نقش پایانی پیراهن، بیشتر از نقوش لوزی استفاده شده است که این لوزی‌ها در قسمت بالای پیراهن یک حاشیه با به هم پیوستن لوزی به صورت افقی وجه مشابه دارند، از رنگ‌های زرد، سبز، قرمز و مشکی بیشتر استفاده شده است. در این پیراهن، رنگ سبز در کنار رنگ قرمز قرار گرفته است و در واقع، می‌توان گفت مکمل اصلی رنگ سبز رنگ قرمز می‌باشد. در پایان، نقش پیراهن که تکمیل‌کننده نقوش پیراهن می‌باشد، استفاده از خط‌های موازی در محور افقی قرار گرفته‌اند. رنگ‌های به کار رفته سفید، زرد و سبز می‌باشند. استفاده از خط‌های تقاطع‌گونه به نوعی نماد زمین و آغاز زایش و رویش برای نو عروسان می‌باشد.

تصویر ۱: نقش پیراهن، (نگارنده)

جدول ۲: معرفی ویژگی‌های ظاهری نقوش ابتدایی، میانی و پایانی پیراهن، (نگارنده)

نام نقش	نوع طرح	نوع نقش‌مایه	رنگ‌های به کار رفته	نقش حاشیه	نقش مرکزی
نقش ابتدایی	هندسی	مثلث، لوزی، دایره	نارنجی، سبز، سیاه، سفید، قرمز، زرد	لوزی، دایره	مثلث
نقش میانی	هندسی	مثلث، لوزی، خط راست	نارنجی، سبز، سیاه، سفید، قرمز، آبی	مثلث، خط راست	لوزی
نقش پایانی	هندسی	مثلث، لوزی، خط راست	نارنجی، سبز، سیاه، سفید، قرمز، آبی	لوزی، مثلث، خط راست	لوزی، خط راست

جدول ۳: تشابه‌ها و جانشین‌ها در نقوش پوشاک زنان کرد، (نگارنده)

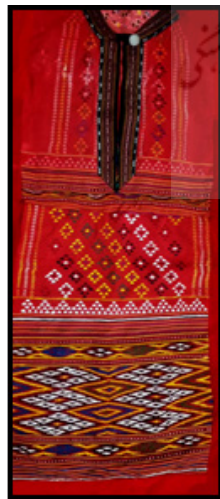
نام نقش	جایگاه نقش	تشابه	جانشین‌ها
نقش ابتدایی	نقوش حاشیه	مثلث	لوزی، دایره
	نقوش مرکزی	مثلث	لوزی
نقش میانی	نقوش حاشیه	مربع	لوزی، دایره
	نقوش مرکزی	مثلث	لوزی
نقش پایانی	نقوش حاشیه	لوزی	لوزی
	نقوش مرکزی	لوزی	لوزی

۲. نوع دوم نقوش سراسری (بوتون): در این پیراهن، نقوش از قسمت حلقه گردن شروع می‌شود و تا حدود زانوان را دربرمی‌گیرد. این پیراهن برای افراد میان‌سال نقش‌دوزی و بافته می‌شود. هنرمند نقوش‌ها را به سه قسمت ابتدایی، میانی، پایانی تقسیم‌بندی کرده‌است. در جدول ۴، مانند نمونه پیراهن سراسری به معرفی کلی ویژگی‌های ظاهری نقوش پوشاک پیراهن اقوم کرد (کلات، لائین و زاوین) پرداخته شده‌است. همچنین در جدول ۵، نقش‌مایه‌های مشابه و جانشین‌ها در نقوش پوشاک مورد بررسی قرار می‌گیرند. در تصویر ۲، نقش ابتدایی پیراهن، در جهت عمودی در دو حاشیه کنارها از تکرار نقوش مثلث استفاده شده‌است و نقوش مشابه به هم که جهت آن به سمت بالا و در گوشه گردن نقوش کمی مایل و جهت آنان به سمت پایین است. در قسمت مرکز وسط پیراهن، پیش‌سینه از تکرار نقوش مثلث، شکل لوزی به وجود می‌آید که در یک ردیف عمودی در دو سمت مرکز پیراهن با تکرار منظم نقوش‌های مشابه استفاده شده‌است. در قسمت پایین حاشیه‌ها، با مثلث‌های مشابه به هم، به صورت پلکانی و در یک ردیف افقی قرار گرفته‌اند. استفاده از خط صاف در

دو سمت مثلث‌ها باعث شده که حاشیه‌ای ایجاد کند و ادامه نقش میانی را به صورت جدا از هم با نقوش مشابه و جانشین‌ها نقش دوزی کند. با رنگ‌های زرد، قرمز و سفید تقسیم‌بندی رنگ‌ها صورت گرفته‌است.

قسمت میانی پیراهن، در جهت افقی در زیر نوار دوزی‌ها، استفاده از خطوط صاف و موازی پهن و باریک به صورت مشابه قرار گرفته‌اند، با ترکیب رنگ‌های تیره و روشن، قرمز به خط‌های موازی به رنگ مشکی و زرد ترسیم می‌رسیم که نشان از بستر دریا و ابتدای خلقت دارد و کمی پایین‌تر از آن خطوط، به نقش‌های هندسی و امواج‌گونه، مانند امواج دریا بر می‌خوریم. حاشیه دو طرف از نقوش مثلث در جهت عمود به سمت بالا به صورت مشابه به کارفته‌اند. در وسط مرکز پیراهن نقش مثلث، به صورت مشابه تشکیل لوزی‌ها کوچک و بزرگ به صورت اریب را تشکیل داده‌اند. رنگ‌ها زرد، سفید، مشکی، سبز هستند. در لبه پایین آن مثلث‌های به صورت پلکانی و مشابه به هم تکرار می‌شوند. همچنین بخش پایانی قسمت میانی پیراهن، با خطوط موازی پهن و باریک مانند نمونه بالا به رنگ‌های سفید، زرد، سبز و مشکی مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

قسمت پایانی پیراهن، نوار باریک در دو سمت لبه پایین و بالا استفاده از نقوش دایره به صورت مشابه و به صورت جانشینی قرار گرفته‌اند. رنگ‌ها مشکی و سفید در این نقش مورد استفاده قرار گرفته‌است که از دیدگاه اقوام کرد، بر اساس نقوش زیباشناسانه چشم بلبل نام



گرفته است. این نقش امروزه بر تن بانوان زیباپوش به یادگار از قدیم و الهام‌گرفته از پرندگان زیبا در آسمان می‌باشد که نوعی زیبایی فاخر را تداعی می‌کند. کمی پایین‌تر در سمت بالا و پایین پیراهن استفاده از نقوش لوزی نیمه و کامل به صورت مشابه هستند که با رنگ‌های آبی، سفید، مشکی و زرد نشان‌دهنده شده‌اند. ردیف پایین مانند نمونه بالا از خطوط صاف و موازی در ردیف افقی با رنگ‌های آبی، زرد، سفید نقوش پیراهن را کامل می‌کنند، طرح کلی نقوش سراسری تکمیل می‌شود.

تصویر ۲: نقش پیراهن، (نگارنده)

جدول ۴: معرفی ویژگی‌های ظاهری نقوش ابتدایی، میانی و پایانی پیراهن، (نگارنده)

نام نقش	نوع طرح	نوع نقش‌مایه	رنگ‌های به کار رفته	نقش حاشیه	نقش مرکزی
نقش ابتدایی	هندسی	مثلث، لوزی	زرد، قرمز، سفید	مثلث	مثلث
نقش میانی	هندسی	مثلث، خط راست، لوزی	نارنجی، سبز، سیاه، سفید، قرمز، زرد	مثلث، خط راست	لوزی
نقش پایانی	هندسی	لوزی، خط راست، دایره	زرد، سبز، سیاه، سفید، قرمز، آبی	دایره، خط راست	لوزی، خط راست

جدول ۵: تشابه‌ها و جانشین‌ها در نقوش پوشاک زنان کرد، (نگارنده)

نام نقش	جایگاه نقش	تشابه	جانشین‌ها
نقش ابتدایی	نقوش حاشیه	مثلث	مثلث
	نقوش مرکزی	مثلث	لوزی
نقش میانی	نقوش حاشیه	مثلث	مثلث
	نقوش مرکزی	مثلث	لوزی
نقش پایانی	نقوش حاشیه	لوزی	لوزی
	نقوش مرکزی	لوزی	لوزی

۳. نقش‌های نیمه (نیم بوتون): بدین معنی است که پارچه جلوی پیراهن نقشی از زانو به بالا تا کمر داشته باشد و قسمت بالا تا سرشانه ساده‌بافی شده باشد. پارچه بالای پیراهن را البان می‌گویند چون به رنگ دانه اناری یا عنابی یا روناسی است که بعضی اوقات نخی است. البته نقش‌های نیمه متنوع بافته می‌شود و بر حسب نوع نقش ارزش متفاوتی دارد و نوع ابریشمی آن مرغوب‌تر و گران‌تر است. اغلب روی زمینه قرمز نقش‌هایی به رنگ سفید و سیاه، زرد، آبی و سبز بافته می‌شود. امروزه با تفکیک رده‌های سنی این نوع نقوش برای بزرگ‌سالان و افرادی که پا به عرصه میان‌سالی می‌گذارند، نقش دوزی می‌شود. در جدول ۶، به معرفی کلی ویژگی‌های ظاهری نقوش پوشاک پیراهن اقوم کرد (لائین و زاوبین) بر اساس تقسیم‌بندی میانی و پایانی پیراهن پرداخته شده است. همچنین در جدول ۷، نقش‌های مشابه و جانشین‌ها در نقوش پوشاک مورد بررسی قرار می‌گیرند.

در تصویر ۳، نقش میانی در ردیف افقی از تکرار منظم طرح لوزی و خط صاف نقشی شبیه به پنجه مرغ نقش دوزی شده است که حد فاصل خط کمر لباس قرار دارد که به زبان کردی و دیدگاه اقوم کرد، به آن قلیان هم می‌گویند؛ چراکه در قدیم و حتی امروز جز اشیاء مورد

استفاده آنان بوده و جنبه کاربردی داشته‌است. ز نوع دیدگاه دیگر اقوام کرد (لاتین) نشانه کوه استوار، ایستایی و دوام در برابر مشکلات زندگی می‌باشد. همچنین نماد چشمی که مفهومی از چشم زخم در برابر مدافعان مبارز را ایفا می‌کند. رنگ‌ها متشکل از سفید، قرمز، آبی، مشکی نماد زندگی، روشنایی و به نوعی یادآور روح پاک و مقدس آنان در عزاداری‌های گذشته‌است. در ردیف افقی آن، مثلث‌هایی که به صورت پلکانی و مشابه روی هم سوار شده‌اند، جنبه یک کوه استوار را دارند. کمی پایین‌تر از خط صاف که جانشینی برای جداکننده نقش دوزی دیگر می‌باشد، استفاده شده است؛ مانند نمونه‌های بالا، استفاده از نقوش لوزی در جهت بالا و پایین به صورت نیمه استفاده شده‌است. حاشیه کنارها در دو سمت از نقوش مشابه مثلث در جهت عمود به بالا به کار رفته است و رنگ‌های سفید و زرد، در حاشیه بالا و پایین که با حاشیه‌های کنار تکمیل‌کننده کادر مستطیل می‌باشد، با نقوش مثلث مشابه در جهت بالا و پایین با رنگ‌های سفید نشان داده شده‌اند.

در وسط مرکز پیراهن، مانند پیراهن بوتون بیشتر از نقوش مثلث و لوزی‌های مشابه در فرم‌های مختلف نقش دوزی شده‌اند. این نقش‌ها به شکل درختان کاج‌گونه که نشان جنگل، زندگی و حیات گونه‌های مختلف جان‌داران است، به صورت محور جانشینی قرار گرفته‌اند. رنگ‌های زرد، سبز، قرمز، مشکی و آبی می‌باشد. بیشترین رنگ در قالب سفید و زرد است که نماد روشنی و نور امید، پاکی، نماد صلح و دوستی‌اند. کمی پایین‌تر استفاده از خط صاف یا موازی در جانشینی نقوش و جداکننده طرح مورد استفاده قرار گرفته‌است، رنگ‌های سفید و زرد می‌باشد.

در ردیف پایانی، در جهت افقی و بعد از خطوط موازی نقش میانی در سمت بالا و پایین نقوش دایره در محور جانشینی با رنگ‌های سفید و مشکی قرار گرفته‌اند. در سمت بالا و پایین با استفاده از نقوش لوزی‌های به هم پیوسته به صورت مشترک و با استفاده از رنگ‌های سفید، مشکی، زرد و آبی نشان داده شده‌اند. مرکز وسط را لوزی‌های درهم تنیده به صورت مشابه در سایزهای بزرگ و کوچک نقش دوزی شده‌اند. رنگ‌های زرد، مشکی، سفید و آبی که بیشترین رنگ مورد استفاده رنگ زرد می‌باشد که نمادی برای کمال است، آن را رنگ خدا نیز می‌دانند؛ چراکه رنگ زرد نوربخش و از سرگیری زندگی است. در انتهای نقش پایانی، مانند نمونه‌های بالا، استفاده از خط‌های موازی به رنگ‌های زرد و سفید مورد استفاده قرار گرفته‌اند.



تصویر ۳: نقش پیراهن، (نگارنده)

جدول ۶: معرفی ویژگی‌های ظاهری نقوش میانی و پایانی پیراهن، (نگارنده)

نام نقش	نوع طرح	نوع نقش	رنگ‌های به کار رفته	نقش حاشیه	نقش مرکزی
نقش میانی	هندسی	مثلث، لوزی، خط راست	زرد، مشکی، آبی، سفید	مثلث	مثلث
نقش پایانی	هندسی	لوزی، دایره، خط راست	زرد، مشکی، آبی، سفید	مثلث، خط راست، دایره	خط راست، لوزی

جدول ۷: هم‌نشین‌ها و جانشین‌ها در نقوش پوشاک زنان کرد، (نگارنده)

نام نقش	جایگاه نقش	تشابه	جانشین‌ها
نقش میانی	نقوش حاشیه	مثلث	مثلث
	نقوش مرکزی	لوزی، مثلث	مثلث
نقش پایانی	نقوش حاشیه	لوزی	لوزی
	نقوش مرکزی	لوزی	لوزی

نتیجه

با توجه به مطالب گفته‌شده، می‌توان به این نتیجه رسید که با حضور نقش‌مایه‌های پوشاک در این آثار، می‌توان به آگاهی از پیشینه فرهنگی و اعتقادی هر نقش توانایی تفسیر این‌گونه آثار را پیدا کرد. نگاه هنری به این‌گونه آثار با در نظر گرفتن این نکته انجام گرفته‌است که این علوم از روزگار باستان و از دل اعتقادات و دانش بشر بوده‌است؛ نقوشی که در این‌گونه آثار نقش دوزی شده‌اند نیز برخاسته از همان باورها و اعتقادات در گذشته‌های دور می‌باشند و این اعتقاد و باورها تاکنون در سرزمین‌های مرزی همچون اقوام کرد (کلات، لائین و

زاوین) همچنان پابرجا است و امروزه با صنعتی شدن و تولید انبوه پارچه‌های ماشینی و صادرات دست‌بافته‌ها به کشورهای هم‌جوار و کشورهای غربی، ذهن هنرمند با شیوه‌های نوین روبه‌رو می‌کند که بتواند طرح‌ها و نقش‌ها را بر اساس رده‌های سنی در پوشاک اقلیم خود و طبق سلیقه نوجوانان، جوانان و میان‌سالان و دیدگاه سلیقه‌ای خود نقش‌دوزی کند، آنان را به کشورهای همسایه و غربی توسط افراد خیره‌ساز کنند. نکته حایز اهمیت این است که امروزه پیر و جوان به خصوص کهن‌سالان هنرهای دستی‌شان را به نسل‌های خود منتقل داده‌اند و هر روز نقش‌های جدیدی از دل عناصر طبیعت اطراف خود بیرون آورده و با چیره‌دستی هر چه تمام‌تر بر روی پوشاک خود به اجرای درآورده‌اند و در معرض عموم به نمایش می‌گذارند. از آن‌جا که بار معنایی اصیل این نقوش به دست پژوهش‌گران ایرانی به صورت تخصصی، تشخیص دقیق داده نشده‌است، بلکه بیشتر مباحث بر اساس تاریخ‌نگاری این مرز و بوم صورت گرفته و احیای این تاریخ به دست پژوهش‌گران تا به امروز بر روی نقش‌مایه‌های این پوشاک از منظر شناسایی نقوش صورت‌نپذیرفته‌است و هنوز جای کار دارد. نقوش پوشاک قوم کرد دارای نقشه‌ای از پیش تعیین‌شده نیستند و معمولاً به صورت بداهه تولید می‌شوند. تنها هنرمند آن‌ها نام نقوش به کاررفته را می‌داند و اکثر این نقش‌ها نامی مخصوص به خود دارند و برگرفته از طبیعت بوده‌اند و توسط هنرمندان بر این نقوش نهاده شده‌اند و ریشه در باورهای رایج در فرهنگ این قوم دارند. هنرمندان کرد با الهام گرفتن از طبیعت و مناسبات فرهنگی به روایت زندگی و خاطرات خود در نقوش می‌پردازند و با استفاده از فرم‌های مثلث، لوزی، دایره و خط راست پوشاک را با نقوش و طرح‌های الهام گرفته و تبدیل اشکال طبیعی به استلیزه هنری خلق می‌کنند. غالب نقوش حالتی نمادین دارند که برگرفته از اندیشه و باورها بوده و یا در راستای یادگارهای قومی اندیشه باستانی ایران است.

پیشنهاداتی می‌توان در مورد موضوع عنوان کرد که به دلیل کمبود منابع در این زمینه پیشنهاد می‌شود که بررسی‌های بیشتری بر روی موضوع نقش‌مایه‌های پوشاک و همچنین ترکیب‌بندی آنان انجام گیرد. علاقه‌مندان به این موضوع می‌توانند با انتخاب مواردی دیگر از این نقش‌مایه‌ها به بررسی دقیق‌تر آن بپردازند.

منابع

ابول‌تختی، سمیرا. (۱۳۹۲). آسیب‌شناسی صنایع دستی بر مبنای مطالعه جامعه هنرمند و اثر هنری؛

- مطالعه موردی: زیورآلات سنتی کرمانج خراسان شمالی. کارشناسی ارشد. دانشگاه الزهراء ع.ا.س.. راهنما: زهرا سهرابی.
- افروغ، محمد. (۱۳۸۸). نماد و نشانه‌شناسی در فرش ایران. تهران: جمال هنر.
- پاکباز، رویین. (۱۳۸۳). دایرة المعارف هنر. تهران: فرهنگ معاصر.
- چیت‌ساز، محمد. (۱۳۸۶). تاریخ پوشاک ایرانیان. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- حسینی، سیدمحسن. (۱۳۹۴). «بررسی و تحلیل کیفیت پوشاک در آیین‌های اساطیری و عرفانی». *ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناسی*. ۱۱(۴۱): ۱۴۱-۱۶۵.
- خزایی، محمد. (۱۳۸۱). هزار نقش. تهران: مطالعات هنر اسلامی.
- رضاپور، حسین. (۱۳۹۷). مطالعه تطبیقی نقوش به کاررفته بر پوشاک و گلیم اقوام ترک و کرمانج شهرستان کلات نادر با رویکرد انسان‌شناسی هنر. کارشناسی ارشد. موسسه آموزش عالی فردوس. راهنما: علیرضا شیخی.
- سپهری لایین، مجید. (۱۳۹۹). لایین در گذرگاه تاریخ. مشهد: سخن گو.
- سرابیاری، ونوس. (۱۳۹۵). بررسی تحلیلی و تطبیقی البسه محلی کردنشینان خراسان از منظر طرح و نقش؛ مطالعه موردی: لائین، قوچان، سرحد. کارشناسی ارشد. دانشگاه علم و هنر. راهنما: محمود اشعاری.
- شهبابی، عاطفه. (۱۳۹۲). بررسی مفاهیم نقوش و فرم زیورآلات زنام ترکمن. کارشناسی ارشد. دانشگاه هنر اصفهان. راهنما: علیرضا خواجه احمد عطاری. عاصمه، فاطمه. (۱۳۹۵). بررسی زیورآلات و منسوجات عصر قاجار با کاربرد دعا و طلسم. کارشناسی ارشد. دانشگاه الزهراء. راهنما: فریده طالب‌پور.
- مرزبان، پرویز. (۱۳۶۵). خلاصه تاریخ هنر. تهران: آموزش انقلاب اسلامی.
- نتاج‌مجد، عطیه و صفری، الهام. (۱۳۹۹). «مطالعه اخص‌های هنری پوشاک قوم کرمانج». دستاوردهای نوین در مطالعات علوم انسانی. ۳(۲۹): ۱۰۵-۱۱۷.